

## روزنه

**عباس آخوندی در دومین همایش بین‌المللی مطالعات ایران معاصر**

### دولت ملی و پرشی از ایران

● **شرق**، عباس آخوندی در دومین همایش بین‌المللی مطالعات ایران معاصر گفت: امروزه در ایران با بحران‌های زیادی مواجهیم همچون بحران زیست‌محیطی و اقلیمی، بحران آب و یا در حوزه اجتماعی؛ زوال اخلاق، فروکاستن سرمایه اجتماعی، قطبی‌شدن شدید جامعه و بی‌اقتصادی عمومی در تمامی سطوح اجتماعی و سیاسی و در حوزه اقتصادی؛ روند نزولی تولید ثروت در کشور؛ رشد GDP در حد صفر و یا منفی و گاهی با شیب بسیار زیاد، تورم مزمن؛ میانگین تورم ۵۲ساله گذشته ایران بالای ۱۹ درصد بوده است، بی‌ثباتی بازار، بی‌کاری بالا و مزمن، عدم تعادل منطقه‌ای و فقیرشدن مستمر مناطق دور از مرکز و در زمینه تحولات سکونتگاه‌ها، شهرنشینی سریع و بی‌سامان، چالش کاهش قابلیت زندگی و منابع‌های حرکت و جابه‌جایی در بین سکونتگاه‌ها و درون آنها و در مسئله امنیت ملی و بین‌المللی تهدیدهای فوری و سخت‌ازسوی قدرت‌های بزرگ جهانی و نفوذ در سیستم‌های امنیتی همسایگان و مسائلی از این دست، او که د ر همایش بین‌المللی مطالعات ایران معاصر صحبت می‌کرد، افزود: ضعف حکمرانی در ایران منبعت از امتناع از تشکیل دولت ملی مدرن در ایران است. دولت‌مدن به مفهوم ناب آن، امکان شکل‌گیری ندارد چون مفهوم ملت در ایران با تعارض مواجه است. این تعارض وجود دارد چون مفهوم ملت و فراتر از آن، مفهوم ایران به عنوان یک پدیدار تاریخی به حاشیه رانده شده است. آخوندی ادامه داد: نهاد نارام جامعه ایران از مشروطه به این سو نشان می‌دهد که تحویل مشکلات ژرف ایران با ضعف نظام حکمرانی به بیراهه رفتن است. تقریباً از صفویه به این سو بدون ارزش‌گذاری دربار صفویه، وحتی سرزمینی، وحدت ملی و کیفیت حکمرانی ایران روند نزولی را طی کرده و نهاد جامعه ایران همواره نارام بوده است، بنابراین، تنها متهم‌ساختن هیئت حاکمه موجود و یا دوره‌های پیشین تاریخی راه به جایی نمی‌برد و تنها موجب تشدید بی‌ثباتی می‌شود. به گفته آخوندی، نهضت مشروطه پیام‌آور مفهوم جدیدی به مفهوم قانون و اراده ملی در جهت تغییر منشأ قدرت و کنترل آن که به صورت تاریخی به روش مطلق‌آیین این نهضت حرکت در جهت شکل‌گیری دولت مدرن، حاکمیتی اراده ملی، کنترل و پاسخ‌گویی مردم قدرت بود. بلافاصله این نهضت با مخالف مشروطه‌خواهان مواجه شد، استبداد صغیر شکل گرفت و به استبداد رضاخانی منجر شد. او بیان این جمله که «سلسله پهلوی مدعی شکل‌دهی دولت مدرن در ایران بود، لیکن، در عمل عمدتاً جز پوسته و شکل چیزی به نظام حکمرانی ایران نیفزود و فضای تنفس سیاسی و نظارت عمومی برای نخبگان بسیار تنگ بود» افزود: نکته بسیار مهمی رخ داد؛ یکی انگاشتن مفهوم دولت و رژیم و یا به عبارتی دیگر خاندان سلطنتی بود. از این‌رو، جز دوره‌هایی محدود مفهوم دولت مدرن به شکل‌گیری استبداد فروکاسته شد و مفهوم ملت با فروگذشت از وضعیت معارضش با بیونردن تصنعی با مفهوم رمانتیک باستانسازي از هویت خودش خارج شد و در دوره اخیر نیز با غلبه نگاه ایدئولوژیک دینی عملاً هم مفهوم دولت مدرن به مفهوم نمایندگی اراده ملی و هم مفهوم ملت به مفهوم خودآگاهی جمعی به هویت جمعی خویش و هم مفهوم کنترل قدرت همه در بوتهٔ اجمال و تعلیق قرار گرفت. آخوندی در ادامه خاطر نشان کرد که این خوانش تاریخی سریع نشان می‌دهد که مشکل بسیار فراتر از تقلیل بحث به ناتوانی دولت‌ها و یا ضعف نظام دیوان سالاری و نظام حکمرانی بد است. همه اینها حکایت از شکل‌گیری موجود ناقص‌الخلقه‌ای به نام دولت در ایران است که ناشی از تنگنای پذیرش مفهوم ملت و ملی در ایران از سوی شبکه قدرت مسلط است و خود این امر نیز ناشی از بدفهمی از پدیداری تاریخی به نام ایران به عنوان یک هویت مستقل است. عده‌ای بر این باورند که ملت یک پروژه است. همان‌طورکه عده‌ای در دوران پهلوی با تحویل موضوع به باستان‌گرایی در بی بی خوانش رمانتییک از ملت بودند بدون آنکه مفهوم حقوق شهروندی، برابری تمام شهروندان ایران در برابر قانون و قدرت و حاکمیت اراده ملی را بپذیرند. عده‌ای دیگر بر این باور بودند که دولت یک قرارداد اجتماعی است که به موجب قرارداد شکل می‌گیرد. لیکن مشکل این نظریه این است که زمان آغاز قرارداد را امروز می‌گارد و هیچ تاریخ پیشینی برای این قرارداد قائل نیست. حال اینکه اگر دولت را قرارداد اجتماعی بدانیم، این قرارداد اصلاحیه‌ای است بر قراردادهای پیشین. بنابراین باید به مفهوم دولت-ملت به عنوان یک امر تاریخی نگاه کنیم. او توضیح داد: به محض اینکه بپذیریم ملت یک امر تاریخی است بلافاصله با دیالکتیک قدیم و جدید، سنت و مدرنیته، نظم قدیم و جدید و حکمت خسرواوی و حکمت و فلسفه تحلیلی، نظام معرفتی قدیم و جدید و ده‌ها دیالکتیک دیگر مواجه می‌شویم. پرسش اصلی من این است که آیا می‌توانیم از پاسخ به این پرسش‌های بنیادین حذر کنیم و در عین حال امکان زیست در دنیای جدید را داشته باشیم؟ پاسخ من این است که خیر؛ ما در عصر جهانی‌شدن زندگی می‌کنیم و گروهی از اندیشمندان در دو و یا سه دهه گذشته پیام‌آور مرگ دولت‌های ملی و شکل‌گیری پدیده‌های جهانی و فراملی بودند. از پدیده‌هایی چون شهروند جهانی، جامعه مدنی جهانی، نظام حکمرانی جهانی، و مسائلی از این دست سخن می‌رانند.

**ادامه در صفحه ۴**

امیرحسین جعفری؛ تسخیر و تعرض و یک سفارتخانه با کنسولگری، اتفاقی جدید در جهان نیست و بارها و بارها در نقاط مختلفی از جهان شاهد چنین امری با دیدگاه‌ها، روش‌ها و نتایج مختلف بوده‌ایم؛ اما چون در تاریخ سیاسی معاصر ما تسخیر یک سفارت، خارجی ابعاد وسیعی پیدا کرده است، نمونه‌های دیگر در جهان چندان به نظر ایرانی‌ها نمی‌آید؛ زیرا هم صاحب سفارتی که آن را اشغال کردیم ابرقدرت بود و ابعاد گسترده‌ای داشت و هم زمان اشغال سفارت در ایران مسلماً بیشتر از دیگر نقاط جهان بود.
باین حال، تسخیر یک سفارتخانه به ایران

محدود نمی‌شود و در کشورهای آمریکا جنوبی و برخی کشورهای آسیایی نیز چنین رفتارهایی دیده شده است. تسخیر یک سفارت نشانه اعتراض و پیامی برای کشور مقابل است که هم جهان و هم آن کشور به بلندترین شکل ممکن فریاد مبارزه یک ملت را بشنوند. به‌منظور بررسی موضوع یادشده، با فریدون مجلسی، دیپلمات بانزنشسته عباس سلیمی‌نمین، روزنامه‌نگار و محمد نعیمی‌پور، از دانشجویان پیرو خط امام، گفت‌وگویی کرده‌ایم که مشروح آن را می‌خوانیم.

#### روایت مجلسی

فریدون مجلسی، دیپلمات باسابقه که در ادوار مختلف تاریخی چنین وقایعی را دیده و تصویر جامعی از تسخیر سفارتخانه‌ها دارد، درباره این موضوع به «شرق» گفت: «در بازگشت به تاریخچه باید گفت این دست اتفاقات به آغاز خصومت آمریکا و شوروی در جنگ سرد بازمی‌گردد که در کشورهای که طرف شوروی بودند و معمولاً احزاب کمونیست به‌خصوص بعد از پایان جنگ دوم جهانی و توسعه بی‌کاری و تورم گرایش بیشتری را در جوانان، به‌ویست به احزاب کمونیستی برانگیخته بود. سفارت‌ها مورد تعرض قرار می‌گرفتند. در اطراف آنها تظاهرات می‌شد، اما اینکه در مناطق مختلف منجر به اشغال سفارت آمریکا شود، دورترینی را که به خاطر دامپرسرپوط به لندن در سال ۱۹۶۸ است که سال آخر جنگ ویتنام بود. اعتراض‌ها علیه ویتنام در دنیا توسعه داشت و تظاهرات مقابل سفارتخانه‌های آمریکا زیاد بود تا منجر به اشغال سفارت آمریکا در لندن شد و طول کشید تا پلیس توانست مردم را از آنجا خارج کند. بعد از آن چند ماه دولت ویتنام جنوبی سقوط کرد و سفارت آمریکا در آنجا اشغال شد که من در جوانی شاهد فیلم‌های تلویزیونی خروج افراد آمریکایی و ویتنامی‌های همکار آمریکا از سفارت آمریکا با هلیکوپترها از پشت‌بام سفارت بودم که یک تسخیر جدی بود و در حدود ۲۰ سال این رابطه قطع بود و دوباره آمریکا به‌عنوان شریک اصلی ویتنام در روابط بین‌المللی درآمد. اشغال مهم دیگری که از سفارتخانه‌های در روابط مهم بود، سفارت پر بود که قبل از آن باید از اشغال سفارت آمریکا در تهران یاد کنم که به بهای گزافی تمام شد و بعد از گروگان‌گیری، دولت آمریکا با اعزام ناو هواپیمابر بزرگ خود یک تهدید گرفت، ولی بعد از رسیدن به خلیج فارس از سوی آمریکا منصرف شدند و پول‌های ایران را بلوکه کردند که بیشتر به‌صرفه بود و ۱۳میلیون دلار پول بلوکه شد و مذاکرات بعدی آزادکردن گروگان‌ها همراه شد

## سیاست

**گفت‌وگو با فریدون مجلسی، عباس سلیمی‌نمین و محمد نعیمی‌پور**

# تسخیر سفارت آمریکا به جزایران



با به‌دادگرفتهن مدعیان آمریکایی که آن ۱۳ میلیارد نیز ضامن پرداخت بود و به دادگاه لاهه فرستاده شد و آن دادگاه نیز اغلب آرا را به نفع مدعیان صادر کرد و خارطه تلخی را بر دل ایرانیان به جا گذاشت.
باین‌حال، آثار تسخیر سفارت به همین‌جا خاتمه پیدا نکرد و این دشمنی به درازا و جنگ ایران و عراق انجامید؛ چون عراقی‌ها با استفاده از همین موقعیت یا عدم ممانعت آمریکا، این گستاخی را یافتند که به ایران حمله کنند و بعد از آن هم شاهد قطع رابطه و بلوکه‌شدن دارایی‌های ایران بودند.»

#### روایت سلیمی‌نمین

عباس سلیمی‌نمین، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی که در دوران دانشجویی خود تجربه چنین عملی را در کنسولگری ایران در لندن دارد و تسخیر سفارت آمریکا در ایران را از زوایای مختلف تأیید می‌کند، درباره موضوع یادشده به «شرق» گفت: «قبل از ورود به این بحث، لازم است این توضیح را بدهم که بشر امروز به‌قواعدی رسیده تا بتواند براساس این قواعد منزلت خود را حفظ کند؛ بنابراین مبنای قواعدی که خود تنظیم کردیم آن است که شان، منزلت و استقلال‌مان را حفظ کنیم. در ارتباط با بحث سفارتخانه‌ها یا استقلال ملت‌ها که سفارتخانه‌های ملت‌ها نیز بخشی از استقلال آنها محسوب می‌شود، باید به این نکته توجه کرد که احترام به تمامیت ارضی یک کشور لازم‌تعملات ما در عرض بین‌المللی است؛ اما اگر این نقض شد، دیگر نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم طرف مقابل به این بحث پایبند باشد. برای مثال من باید به جسم شما احترام بگذارم، ولی اگر گریبان من را گرفتید، همه به من این حق را می‌دهند که به شما چند بیندازم.

در تنظیم روابط هیچ‌کس حق ندارد به صورت دیگری جنگ بیندازد اما اگر کسی قواعد را شکست همه باور دارند که برای رهایی باید جنگ بیندازید. درباره سفارتخانه‌ها همین مسئله هست. سفارتخانه‌ها برای تنظیم روابط و منطقی‌شدن آن تأسیس می‌شوند و بلافاصله ارتباط ایجاد شود تا سوت‌تفاهم‌ها رفع شود. ایجاد سفارتخانه‌ها در روابط ملتی‌ها بر این اساس شکل می‌گیرد که بین ملت‌ها سهو،تفاهم‌ها باعث درگیری نشود اما یک سفارتخانه اگر کانون نقض حاکمیت شد آیا اینجا هم باید به قواعد پایبند بود؟ خیر. آنجا که کانون نقض حاکمیت است وظیفه هر انسانی است که به استقلال خود پایبند باشد. آن کانون را خنثی کند؛ مثلاً سه‌سال گذشته بین درگیری آمریکا و چین؛ پلیس آمریکا کنسولگری چین را شکست و پلیس

او ادامه داد: «به همین دلیل هم وقتی دانشجویان در مطالعات میدانی به این مطلب رسیدند که سفارت آمریکا کانون فتنه‌گری است و یک بار دیگر در حال هدایت کودتاست به آنجا متعرض شدند و اسنادی که به دست آوردند گواه بر این امر است و این نیست که استنباط دانشجویان با اسناد تأیید نشود بلکه برداشت آنها با اسناد هم تأیید می‌شود. اگر سفارتخانه کار عادی انجام می‌داد و یک‌عده از سر آشوبگری و ماجراجویی به سفارتخانه متعرض می‌شدند کار منفوری بود اما اینجا نه دانشجویان ماجراجو بودند و نه سفارت آمریکا سفارت بود. دانشجویها عسومی می‌کردند که تجربه‌طلبی در آذربایجان، سیستان و کردستان زیر سر آمریکایی‌ها بعد هم اسناد این ادعا و برداشت را تأیید کرد که عمق فاجعه بسیار بیشتر از چیزی است که فکر می‌کردند.

ما در طول تاریخ معاصرمان سفارت آمریکا را در دو مقطع کانون نقض استقلال خود یافتیم. اول در سال ۲۳ که آمریکایی‌ها دیپلمات‌های خود را چندین برابر کردند و حتی عامل اجرائی کودتا را مدتی در سفارت پنهان کردند تا بتوانند کودتا را به سهولت سازمان دهند. چنین تجربه‌ای را در سفارت آمریکا داشتیم. در سال ۵۷ بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب تحکرات با محوریت سفارت آمریکا به صورت گسترده آغاز شد و اگر مستندات را نگوییم فکر کنید بدون سند نمی‌گویید اما شما خاطرات عباس امیرانتظام را ملاحظه کنید، از جمله اسنادی که در سفارت پیدا می‌شود و موجب افتخار نیز می‌داند اسنادی است که بین سرکنسول آمریکا و دکتر یزدی، دو جلسه یک منازعه جدی شکل گرفته است. آقای یزدی می‌گوید ما شواهدی داریم که شما آمریکایی‌ها در حال تهدید تمامیت ارضی ایران هستید و با کمک‌های تسلیحاتی به مخالفین در عراق و مناطق دیگر این کار صورت می‌گیرد. این اتفاق نه در سال۵۸ بلکه در روزهای اول انقلاب دولت موقت با آمریکایی‌ها دعوا می‌کند که شما علیه ملت ایران اقدام می‌کنید و گروه‌های تجزیه‌طلب را کمک می‌کنید. یک کشوری که می‌خواهد کودتا کند اولین قدمش به‌هم‌ریختگی نظم یک کشور دیگر است. اسناد زیادی وجود دارد که سفارت آمریکا تبدیل به کانون هدایت گروه‌های مختلفی می‌شود که تجزیه‌طلبی و بحران‌آفرینی را دنبال می‌کردند. باز خاطرات شعبان جعفری را می‌توانید ببینید که در مرز ایران و ترکیه جز نیروهای آریاناست که چند هزار نفر مستقر کرده‌اند و شعبان جعفری اشاره کرده است که بین تل‌آویو و آریانا ارتباطاتی بود. اخیراً نیز کتاب برکمن به‌صراحت می‌گوید که در اول انقلاب همه شورش‌های اطراف مرز ایران را هدایت می‌کردیم. سایر آثار نیز همین مطلب را نشان می‌دهد؛ بنابراین سفارتخانه‌ای که اصل را نقض کرده است؛ یعنی افشاشن سفارت برای منطقی‌شدن تعاملات و این سفارت دقیقاً برعکس و در جهت نقض حاکمیت عمل می‌کند. اینجا باید گفت سفارت خاک آمریکاست؟ خیر این حرف غلط است! آمریکا در اینجا در حال زیربناگذشتن اصول است و کارکرد آن قواعد را زیر پا می‌گذارد و آیا نباید در اینجا اقدامی صورت بگیرد؟ آمریکایی که ربع قرن بعد کودتا بر این حاکم شد و به ملت ظلم کرد.»

### گزارش

**انتصابات صدای اصولگرایان را هم در آورد**

### مصباحی مقدم: انتصابات فامیلی شبه‌هناک است

● **شرق**: انتصابات رخ‌داده در دولت سیزدهم چنان عجیب و غیرمرتبط بوده که حتی صدای برخی اصولگرایان و نماینده‌های هم‌سو با دولت را نیز درآورده است. وزارت نفت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت آموزش‌وپرورش از نهادهایی هستند که بیشترین انتصاب به‌لحاظ هم‌سطح‌نبودن و مجهول‌بودن سوابق افراد را دارند که «فامیل‌بازی» و «رابطه‌سالاری» را نیز می‌توان اضافه کرد. غلامحسین مصباحی‌مقدم، از سیاست‌مداران اصولگرا که در مجمع تشخیص مصلحت نیز عضویت دارد، با انتقاد از این اوضاع به رئیس‌جمهور توصیه کرده از انتصابات حاشیه‌دار در دولت پرهیز کند. او به خبرآنلاین گفته است: «حقیقت این است که در انتصابات فامیلی به فرض اینکه رعایت شایسته‌سالاری صورت گیرد، شبهه‌ناک است. شبهه آن این است که همین شایسته‌سالاری و همین شایستگی‌ها را ما ممکن است فرد دیگری هم داشته باشیم». او افزود: «من مستندم که در حال تطهیر آمریکا هستند باید توجه داشت که هیچ گروهی کار دانشجویان را رد نکرد. از نهضت آزادی تا گروه‌های دیگر این‌کار را تأیید کردند چون همه احساس کردند کار دانشجویان درست است، از مدتی که پای دیوارهای سفارت می‌خوابیدند تا دیگر مسئولان کشور بستگان خودشان را به قدرت برسانند و به آنها پُست دهند». این عضو جامعه روحانیت مبارز گفته است: «کسی که فامیل و خویشاوند یک مسئول است، انتصابش در پُست‌هایی که به نحوی توسط او می‌تواند رقم بخورد یک رات است. در نتیجه باید از چنین رانت‌های خودداری شود.»

#### دولت‌دلدادگان

محمود احمدی‌یفش، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز روی گذشته در نطق میان‌دستور، ابتدا به ضعف ادبیات گفتمانی رئیس‌جمهور اشاره کرد و گفت: «آن‌گونه که بیاداست در دولت شما نیز پدیده مقادیم‌سوم همان نقش غلطی را ایفا می‌کند که آنتیاسیسم در دولت روحانی ایفا می‌کرد. مگر در کشور قطح‌الرجال علمی و سیاسی داریم که در نهاد ریاست‌جمهوری نفر چتر از اساتید برجسته دانشگاهی کشور دیده نمی‌شوند که حداقل در مناسبت رسمی چند خط بنویسند و به شما بدهند تا این همه شاهد گفتمان ضعیف و بحث‌برانگیز غیرعلمی و غیراستادی از شما نباشیم!». به گزارش فارس، او سپس ادامه داد: «دولت شما ظاهراً دولت دلدادگان است، به یک عزیز درزانه خاص که باید همه اتفاقات، انتصابات و استبدادها به ایشان ختم شود. انتصابات در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های تابعه دولت تقریباً داد همه دلسوزان را درآورده است، نفوذ برخی افراد در وزارتخانه‌ها برای انتصابات تا حدی است که تقریباً وزیر با وزرای مربوطه به بی‌اثرترین فرد در این انتصابات تبدیل شده‌اند.»

#### انتصابات تبدیل به جوک شده‌است

محمدعلی نتمازی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم درباره روند خویشاوندسالاری در میان جریان اصولگرایی بعد از یک‌دست‌شدن قوا، آن هم درحالی‌که این جریان خانواده‌ششمی و روحانی و سایر مسئولان را مورد شتمات قرار می‌دادند که چرا از اقوام خودشان در سمت‌های استفاده می‌کنند به این‌ا، گفت: «امروز شعارها و وعده‌هایی که جناب آقای رئیسی در انتخابات دادند تحقق پیدا نکرده است یا معکوس آن گفته‌ها رخ داده از جمله همین خویشاوندسالاری‌ها که رشه در عدم شایسته‌سالاری دارد. در کشور هنگامی که شایسته‌سالاری نباشد افرادی روی کار می‌آیند که بتوانند رابطه بهتری با کسی که در رأس کار است، برقرار کنند». این عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی عنوان کرد: «زمانی هستند افرادی که ممکن است یک مدیر رابطه در انتصابشان وجود داشته باشد اما ادعایی ندارند ولی این جمعی که امروز در رأس جوه مزیه قرار گرفتند شعار و ادعایشان این است که ما می‌خواهیم از رابطه بازی جلوگیری کنیم و از ارجحیت رابطه بر ضابطه بپرهیزیم و اتفاقاً مشاهده می‌کنیم بالعکس عمل می‌کنند یعنی ضابطه تحت‌الشعاع رابطه قرار گرفته و فامیل‌بازی بسیار پررنگ شده است برای همین اساس است که امروز در جامعه جوک شده که باید فرزند و داماد سیاسیون باشی که پست مهم داده شود.» او افزود: «آقای رئیسی و وزرا و همکارانش دچار خلف وعده هستند و از شایسته‌سالاری فاصله گرفته‌اند و آن چیزی که مردم مشاهده می‌کنند که درباره‌اش سخن می‌گویند این است که رابطه بر ضابطه اولویت پیدا کرده است.»

#### اصولگرایان در حال مایوس شدن هستند

در این رابطه، علی صوفی، دبیر کل حزب پیشرو اصلاحات به خبرآنلاین، گفت: «معمولاً منتقدان دولت باید از جریان مقابل باشند اما الان اصولگرایان هم به دولت و عملکردش اعتراض دارند». او ادامه داد: «عده‌ای که آنها را هیچ‌کس نمی‌شناسد و تجربه‌ای ندارند در کابینه قرار گرفته‌اند. مثلاً وزیر اقتصاد اصلاً تجربه اجرائی ندارد و تاکنون یک اداره کل را اداره نکرده است. چنین فردی نمی‌تواند در رأس امور قرار گیرد. آقای محسن رضایی، معاون هماهنگی اقتصادی رئیس‌جمهور است. خودش به‌تنهایی نظر و ایده دارد، دیگر تحت مدیریت معاون اول نمی‌رود! معاون اول هم برای خود ادعا دارد. اختلافات در دولت کاملاً واضح و روشن است و اختلاف دو کارشناس نیست یا صرفاً اختلاف نظر نیست.»

سردرگمی اصولگرایان در مواجهه با فیلترینگ در بدنه اجتماعی حامی آنها هم دیده می‌شود. مثلاً اخیراً یک تشکل دانشجویان اصولگرا در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی از او خواسته‌اند که فیلتر تلگرام و یوتیوب برداشته شود؛ در نامه آنها آمده بود: «با توجه به اختیارات حضرت‌عالی به‌عنوان رئیس شورای عالی فضای مجازی، ضمن بازنگری منطقی و قانونی در محدودیت‌های موجود در فضای مجازی، فرصت استفاده درست از بسیاری از فضاهای مفید مانند پیام‌رسان تلگرام و یوتیوب را در اختیار مردم قرار دهید و امید تحول در دیگر حوزه‌ها را در مردم زنده کنید و از شکل‌گیری قوانین به‌محوریت ضدیت با آزادی‌های مدنی و قانونی در اذهان عوامی جلوگیری نمایید.»

**ادامه در صفحه ۵**

### سردرگمی گفتمانی اصولگرایان در مواجهه با فیلترینگ

## دسترسی طبقاتی به اینترنت

مجلس دهم به توییت بیوست، همان زمان ورود «احمد توکلی» را به توییت خوش‌آمد گفته و نسبت به ورود دیگر چهره‌ها هم ابراز امیدواری کرده بود. «حدادعادل» در توییتی نوشته بود: «ورود [دکتر توکلی] را به توییت خوشامد عرض می‌کنم. امیدوارم همه شخصیت‌های سیاسی از ظرفیت توییت استفاده کنند». همین توییت او باعث تعجب و پاسخ‌های کتایه‌آمیز گروهی از کاربران شده بود.

نمونه‌ای از کامنت‌هایی که برای حدادعادل با توکلی در بدو ورودشان به توییت گذاشته شده، اینها بود: «آقایان قانون‌گذار، جایی‌که ورود بهش تریبک داره، چرا فیلتره طبق قوانین ما و چرا باید قانون‌شکنی کنیم برای استفاده؟»، «به نظر می‌رسد شما هم باور دارید که در کشورمان قوانینی وجود دارد برای شکستن و مایه تاسف»، «فیلتر شکن‌تون رو هم برای مخاطبان معرفی کنید لطفاً»، «رفع فیلتر بفرمایید این وقت ظرفیت‌هاش شکوفا خواهد شد»، «قوانینی رو که خودتون سبیش بودید رو می‌شکنید بعد به هم تریبک می‌گید؟»، «فیلترشکنت چیه آقای توکلی؟ خود شما هم قانون رو دور زدید اومدید اینجا»، «جناب دکتر به‌عنوان نماینده مجلس آیا توییتِر فیلتر نیست پس چرا چیزی که برای ملت مشکل دارد استفاده می‌کنید»، «دکتر حدافل به نطقی، حرفی درمورد اِرز اِش‌یون فیلترینگ یا رفع فیلترینگ موضوعی مضحک می‌کردید بعد با می‌شدید میومدید واسه قانون‌شکنی».

#### یک‌پام‌ودوموا

حالا یک نماینده اصولگرا در حالی خواهان رفع فیلتر توییتِر شده که زمانی عبدالصمد خرم‌آبادی، مدیر قبلی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و معاون وقت قضائی داستان کل کشور در امور فضای مجازی، مصاحبه‌های مکرر وزیر ارتباطات، آذری جهرمی را درباره رفع فیلتر شبکه اجتماعی توییتِر غیرقانونی می‌خواند.

او گفته بود: «کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مرجع نقض دستورات و احکام قضائی نیست و موضوع رفع فیلتر توییتِر در جلسه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مطرح نخواهد شد و توییتِر رفع فیلتر نمی‌شود. اصرار بر این درخواست غیرقانونی و رسانه‌ای کردن مکرر آن جای تأمل دارد». خرم‌آبادی توییتِر را شبکه‌ای قانونی به کنترل آن در اختیار دشمن است و گفته بود مدیران آن «در فتنه سال ۸۸ صراحتاً از فتنه حمایت کردند». اما حالا که یک چهره اصولگرا از رفع فیلتر دفاع کرده دیده نشده که